

## درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی

### انواع قضایای شرطیه:

منفصل، مانعاً الجمع، مانعاً الرفع، حقیقی، قیاس استثنایی متصل و قواعد ان قاعده وضع مقدم و قاعده رفع تالی، مغالطه وضع تالی، مغالطه رفع مقدم، قیاس استثناییه منفصل آشنا می شوید.

قضیه شرطی: به قضایای که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می شود شرطی می شود. قضیه شرطی دو دسته: متصل و منفصل.

**قضیه شرطی متصل:** حکم به پیوستگی و اتصال دارد و ملازمه دو تا نسبت باشد. اتصال و پیوستگی ملازمه دو نسبت باشد. مثلاً اگر احمد پرهیزگار باشد رستگار خواهد شد. اگر (نشانه شرط) احمد (پرهیزگار باشد شرط قضیه مقدم) رستگار خواهد شد (جواب شرط تالی) لذا از دو جزء شرط و جواب شرط تشکیل میشود. پس شرطیه متصل دو جزء دارد مقدم و تالی.

اگر درس بخوانید آنگاه موفق می شوید. اگر (ادات شرط) درس بخوانید مقدم شرط قضیه، آنگاه موفق می شوی (جواب شرط تالی)

شرطیه منفصل (حکم به انفصال و جدایی عناد و گسستگی): مثال: یا این عدد طبیعی زوج است یا فرد. نشانه (یا)

**نکته:** اگر از قضیه شرطیه منفصل یا را حذف کنیم، دو تا قضیه حملیه ازش باقی می ماند. اقسام قضیه منفصل: ۱- منفصل حقیقی ۲- منفصل مانعاً الجمع ۳- منفصل مانعاً الرفع

۱- منفصل حقیقی: هم اجتماع، هم ارتفاع محال است. (اجتماع درست، ارتفاع غلط) یعنی هر دو جزء قضیه نمی توانند باهم صادق یا کاذب باشند. یعنی نمی توانند هم زمان با هم درست یا غلط باشد. این عدد طبیعی یا زوج یا فرد.

برای ایجاد روز و شب یا زمین می گردد یا خورشید.

همیشه نه زمین بگرده نه خورشید. همیشه هم هر دو با هم بچرند. فقط برای ایجاد روز و شب چرخش یکی از آن دو تا کافیهست که همیشه منفصل حقیقی اگر بخواهیم با احکام قضایا مطابقت دهم می شود تناقض.

منفصل مانعاً الجمع: اجتماع محال ارتفاع جائز، نمی تواند هر دو طرف درست باشد. اما می تواند هر دو طرف غلط باشد. مثال: این دانش آموز یا سوم انسانی است یا سوم تجربی.

نمی تواند همزمان هر دو باشد. اجتماع محال. اما ارتفاع جائز. می تواند هر دو طرف کاذب باشد. یا مثال دیگر:

خانه هشتاد متری فقط جهت فروش یا معاوضه موجود است. نه خانه را خرید و نه معاوضه کرد نمی توان هم خرید کرد هم معاوضه میشه مانعاً الجمع اگر با احکام قضایا مطابقت دهیم می شود تضاد.

منفصله مانعاً الرفع برعکس دومی ارتفاع محال اجتماع جایز یعنی می تواند هر دو طرف درست باشد اما نمی تواند هر دو طرف غلط باشد. همیشه منفصله مانعاً الرفع.

مثال: پاداش من را خداوند یا در دنیا خواهد داد یا در آخرت. نمی تواند هر دو طرف نادرست باشد بالاخره پاداش یا خدا یا در دنیا میدهد یا در آخرت. این کذب هر دو طرف محال . اما اجتماع جایز می تواند هر دو طرف درست باشد. خدا در دنیا داده ممکنه در آخرت هم بده این میشه مانعاً الرفع

مثال: حال از دهان دوست شنیدن چه خوش بود. یا اینکه شنید از دهان دوست.

مانعاً الرفع هم ممکنه از دهان دوست و هم از دهان کسی که از دوست شنیده است بشنویم لذا می شود مانعاً الرفع.

اگر بخواهیم بایکی از احکام قضایا مطابقت دهیم می شود: داخل تحت تضاد

قیاس استثنایی عین نتیجه یا نقیض نتیجه در مقدمات آورده می شود، به گونه ای است که دو تا مقدمه دارد یکی شرطیه و یکی حملیه . اما یکی از مقدماتش ممکن شرطیه اتصالی یا انفصالی.

اما قیاس استثنایی که یکی از مقدماتش شرطی و یکی حملیه است در نتیجه یکی از حملی ها می آید حال ممکن است خود آن حملی یا نقیض لذا با این تفصیل قیاس استثنایی چهار نوع است : اتصالی، انفصالی حقیقی، قیاس استثنایی مانعاً الرفع، استثنایی مانعاً الجمع

در قیاس استثنایی اتصالی: برای اینکه بنیم کدام یک از قیاس ها منتج است، و کدام یک از صورت نتیجه صحیح نیست یک قانونی دارد. در قیاس استثنایی اتصالی دقت کنید اگر مقدم را وضع کنیم و تالی را رفع نتیجه صحیح است.

اما برعکس این، یعنی مقدم را به جای اینکه وضع کنیم رفع کنیم، و تالی را به جای رفع وضع کنیم در این صورت میشه مغالطه یعنی نتیجه درست نیست.

#### مقدمه اول

مثال: اگر این شخص حصبه داشته باشد تب دار است. لیکن حصبه دارد. پس تب دارد.

ادات شرط	مقدم	تالی	مقدمه دوم
----------	------	------	-----------

مقدم دوم وضع کرد و منتج است. صورت دوم، اگر این شخص حصبه داشته باشد، تب دارد. لیکن تب دار نیست. پس حصبه ندارد. مقدمه دوم تالی مقدمه اول را رفع کرد منتج می شود و نتیجه صحیح است پس حصبه ندارد.

شکل مغالطه که نتیجه صحیح نیست و در واقع به جای اینکه مقدمه وضع کند مقدم را رفع کرده به جای اینکه تالی را رفع کند وضع کرده است. اگر این شخص حصبه داشته باشد تب دار است. لیکن حصبه ندارد مقدم را رفع کرد، پس مغالطه است نتیجه ندارد. صورت دوم اگر این شخص حصبه داشته باشد تب دار است. لیکن تب دارد. در این مثال تالی را به جای اینکه رفع کند وضع کرد لذا نتیجه ندارد.

مثال کتاب ص ۹۱: اگر از بخاری برقی استفاده کرده باشد آنگاه اتاق گرم شده است. لیکن از بخاری برقی استفاده کرده است. مقدمه دوم مقدم مقدمه اول را وضع کرده و نتیجه داده لذا اتاق گرم شده است. صورت دوم تالی را رفع کرده و نتیجه داده اگر از بخاری برقی استفاده کرده باشد آنگاه اتاق گرم شده است اما اتاق گرم نشده است. پس از بخاری استفاده نکرده است.

اگر او دوپینگ کند احتمال برنده شدن وی وجود دارد. او اهل دوپینگ کردن نیست. مقدم را رفع کرده پس مغالطه است و نتیجه ندارد.

اگر او دوپینگ کند احتمال برنده شدن وی وجود دارد. احتمال برنده شدن وی وجود دارد. مقدمه دوم تالی مقدمه اول را وضع کرده است، مغالطه است و نتیجه ندارد.

قیاس استثنائی انفصالی: مانع الجمع و مانع الرفع جزو امتحان نیست.

در انفصالی حقیقی: در این قیاس یکی از مقدمات شرطیه اما مقدمه دوم ما یک قضیه به چهار صورت عنوان می شود. با یکی از طرفین یا نفع یکی از طرفین.

مثال: یک عدد طبیعی یا زوج است یا فرد. لیکن زوج است فرد نیست. لیکن زوج نیست فرد است. لیکن فرد نیست زوج است لیکن فرد است زوج نیست.

در هر حالت نتیجه می گیریم قضیه منفصل حقیقی چهار قیاس استثنائی تشکیل داد که همگی اعتبار دارد، منتج اند.